

تاریخ گذاری سوره عادیات

حسین جدی *

تاریخ دریافت: ۹۵/۱/۲۷

ابراهیم اقبال **

تاریخ پذیرش: ۹۵/۶/۴

چکیده

تاریخ گذاری سوره های قرآن کریم در شناخت درست آن ها و برگزیدن اقوال و آراء صحیح و رد سخنان ناصواب، بس مؤثر است. این امر خود بر شناختی دیگر استوار است که آن تعیین مکی یا مدنی بودن یک سوره است. علم مکی و مدنی، بسیاری از سوره های قرآن را بدون اختلاف مکی برمی شمرد و تعدادی کمتری را بدون هیچ سخن دگرسان، مدنی می داند ولی در خصوص اندک سوره هایی، اختلاف در مکی یا مدنی بودن را نشان می دهد. سوره عادیات، در دسته سوم قرار دارد. به همین جهت تاریخ گذاری این سوره، از یک سو با دشواری و از سوی دیگر با ضرورت همراه شده است. بررسی سندی و متنی روایات و دقت در طریق شناخت قیاسی، مدنی بودن عادیات را اثبات می کند. مدنی محسوب شدن این سوره، هم به اختلاف اقوال و آراء پایان می دهد، هم به مردود ساختن موارد ناصواب می انجامد، هم به برگزیدن مطالب درست کمک می کند، هم تاریخ گذاری سوره را ممکن می سازد و به فرجام نیز یکی از فضایل حضرت علی (ع) را نمایان می کند.

کلیدواژگان: تاریخ گذاری، مکی و مدنی، عادیات، روایات ترتیب، اسباب نزول، ضوابط و خصائص.

بیان مسأله

تاریخ‌گذاری سوره‌های قرآن کریم یا تعیین محدوده زمانی نزول آن‌ها، گرچه عنوانی جدید در پژوهش‌های مربوط به قرآن کریم محسوب می‌شود ولی علوم زیربنایی آن همانند مکی و مدنی، ترتیب نزول سوره‌های قرآن و اسباب نزول و ... سابقه‌ای کهن به قدمت ظهور اسلام و آغاز نزول قرآن دارد. چنین بررسی‌ها و شناسایی‌ها در شناخت درست قرآن و پایان‌دادن به اختلافات و انتخاب اقوال و نظرات صحیح، تأثیر بسزایی را از خود به جای می‌نهد.

تاریخ‌گذاری یک سوره، نخست بر مکی یا مدنی بودن آن مبتنی است. بر اساس منابع منقول و موجود، در مکی بودن بسیاری از سوره‌های قرآن و مدنی بودن شماری دیگر، اختلافی وجود ندارد یا اختلاف در خور توجهی مشاهده نمی‌شود. ولی در مورد چند سوره این اختلاف، با نمود قابل ملاحظه‌ای روبه‌رو است. در نتیجه، فرآیند تاریخ‌گذاری این گونه سوره‌ها را با دشواری همراه می‌سازد؛ سوره عادیات در دسته سوره‌های اخیر قرار دارد. از این رو ضروری می‌نماید، نخست اختلاف در مکی یا مدنی بودن آن برطرف شود و سپس روند تاریخ‌گذاری آن صورت پذیرد و بدین‌سان به بسیاری از اختلافات دیگر که در همین امر ریشه دارد پایان دهد.

گرچه سوره عادیات در برخی از روایات مکی و مدنی، روایات ترتیب نزول و اسباب نزول، مکی گزارش شده است و وقوع آن به لحاظ ترتیب کنونی در زمره سوره‌های آخر قرآن قرار دارد و جزء سوره‌های کوتاه قرآن کریم محسوب می‌شود و آیات آن کوتاه، مسجّع و موزون است که این موارد مکی بودن این سوره را تقویت می‌کند؛ اما در موازات با آن، سوره‌ای مدنی به شمار می‌آید که مدنی بودن آن از دو راه سماعی "بررسی و تحلیل و نقد روایات و اقوال" و طریق قیاسی "تطبیق قواعد و ضوابط و خصائص سوره‌های مکی و مدنی" قابل اثبات باشد.

این مقاله در چهار بخش، سوره عادیات را در روایات ترتیب نزول، اسباب نزول، ضوابط و خصائص سوره‌های مکی و مدنی و در نهایت ساختار و مضمون سوره، مورد بررسی قرار می‌دهد و مدنی بودن سوره عادیات را اثبات می‌کند و در مطالب پایانی به تاریخ‌گذاری آن اقدام می‌ورزد.

سوره عادیات در روایات ترتیب نزول

روایات ترتیب نزول، غالباً ترتیب نزول سوره‌های قرآن کریم را در دو بخش مکی و مدنی گزارش می‌کنند.

گذشته از این با کمک این روایات می‌توان به تاریخ‌گذاری یا تعیین محدوده زمان نزول سوره‌ها نیز دست‌یافت؛ هرچند که مفسرانی همچون علامه طباطبایی به طور کلی این روایات را فاقد اعتبار و حجیت می‌دانند (رک: ۵۳: ۱۸۷). بر اساس این روایات، بیش‌تر سوره‌های قرآن، بدون اختلاف مکی هستند و پاره‌ای دیگر، مدنی به حساب آمده‌اند؛ اما در این میان، سوره‌هایی نیز به چشم می‌آیند که در زیرمجموعه سور اختلافی قرآن کریم قرار می‌گیرند؛ سوره عادیات در دسته سوم قرار دارد. برخی از این روایات، عادیات را مکی و برخی دیگر مدنی به حساب آورده‌اند. در ادامه هر دو دسته گزارش می‌شوند و آن‌گاه مورد تحلیل و نقد قرار خواهند گرفت.

روایات دلالت‌کننده بر مکی بودن سوره عادیات

تعداد زیادی از روایات ترتیب نزول، بر مکی بودن این سوره دلالت می‌کنند و از طرق مختلف نقل شده‌اند؛ مانند روایت عطاء از ابن عباس (رک: ۵: ۳۳) و روایت واقد (رک: ۴۷، ج ۱ ک ۱۲۸-۱۳۳)، روایت ضحاک و ابو شیبہ که از عطاء و در انتها به ابن عباس ختم می‌شود (رک: ۸۱، ج ۶: ۳۰۹) و روایت مجاهد (۱۰، ج ۱: ۲۸) و زهری از محمد بن بشیر (رک: ۱۰، ج ۱: ۴۲) و روایت عکرمه (رک: ۴۲، ج ۱: ۶۰). این روایات، نزول این سوره را ما بین دو سوره عصر و کوثر گزارش کرده‌اند. هم‌چنین دیدگاه دیگری نیز وجود دارد که نزول سوره عادیات را میان دو سوره قدر و قارعه قرار داده است (رک: ۶: ۲۸۲).

روایات دلالت‌کننده بر مدنی بودن سوره عادیات

از سوی دیگر برخی روایات نیز وجود دارند که نزول سوره عادیات را در مدینه و میان سوره واقعه و معوذتین بیان می‌کنند؛ همانند روایتی که از ابن عباس از طریق ابو صالح نقل شده است (رک: ۹۵، ج ۲: ۴۳) و روایتی که از مقاتل گزارش می‌شود (رک: ۴۷، ج ۱:

۱۳۱-۱۳۳). همچنین روایتی دیگری از مقاتل وجود دارد که جایگاه این سوره را مابین دو سوره نصر و فلق بیان کرده است (همان). ضحاک نیز بر این رأی رفته است که این سوره در شمار سور مدنی است (رک: ۶۳، ج ۱۰: ۳۹۵).

بررسی و نقد روایات مکی یا مدنی بودن سوره عادیات

با مقایسه این دو دسته از روایات، مهم‌ترین اشکالی که ایجاد می‌شود وجود تعارض در متن و اقوال مفسران است؛ مانند روایت ابوصالح از ابن عباس که بر مدنی بودن سوره متوقف است با روایت عطاء و روایت ضحاک از ابن عباس که بر مکی بودن سوره هم‌نظر هستند مغایرت دارند؛ و روایت مقاتل که مدنی بودن این سوره را بازگو می‌کند با روایت دیگر از خود او و عطاء که مکی بودن عادیات را بیان کرده‌اند تعارض دارند. همچنین روایات افرادی هم چون مجاهد و عکرمه و حسن و عطاء که بر مکی بودن این سوره هم‌سخن هستند؛ با روایت تابعی دیگر، به نام ضحاک که بر مدنی بودن این سوره نظر می‌دهد؛ هماهنگ نیست. همچنین روایتی که از ابن عباس بر مدنی بودن این سوره گزارش شده است (رک: ۴۲، ج ۱: ۶۹) با روایت ابن مردویه و همچنین عطاء از ابن عباس که بر مکی بودن این سوره مبتنی است موافق نیست.

با این وجود گرچه عالمان و مفسران دیرینه قرآن کریم، بر اساس این روایات بر مکی یا مدنی بودن سوره عادیات، نظر قطعی داده‌اند؛ اما همان‌گونه که از مجموع این آراء و روایات برمی‌آید، تاریخ‌گذاری این سوره به واسطه اقوال و روایاتی که از یک سو؛ با یکدیگر تفاوتی شاخص و تعارضی بارز دارند و از دیگر سو؛ بیش‌تر آن‌ها از جنبه سندی، اعتبار و کفایت لازم را ندارند و از سویی دیگر در تأیید و ترجیح یکی از دو دیدگاه، مؤیدات گسسته و مرجحات خارجی نیز اعانت نمی‌کند؛ نمی‌توان صرفاً به واسطه این اقوال و روایات از هم‌گسیخته، بر مکی یا مدنی بودن سوره عادیات حکم قطعی داد و به دیگر قرائن و شواهد- که در منابع فریقین موجود است- توجه نکرد.

از همین رو برای تاریخ‌گذاری این سوره، در ادامه به روایات اسباب نزول سوره عادیات پرداخته می‌شود.

سوره عادیات در روایات سبب نزول

روایات سبب نزول، بخشی دیگر از آثار نقلی هستند که الهام‌بخش شناسایی مکی یا مدنی بودن یک سوره محسوب می‌شوند. روایاتی که در خصوص سبب نزول سوره عادیات گزارش شده‌اند (همانند روایات ترتیب نزول) به طور کلی، به دو دسته قابل تقسیم است. دسته‌ای از آن‌ها از ناحیه اهل تسنن نقل شده‌اند که بر مکی بودن این سوره دلالت دارند و بخشی دیگر توسط امامیه و برخی از منابع اهل تسنن گزارش می‌شوند که بیانگر مدنی بودن سوره عادیات هستند. در ادامه به این روایات پرداخته می‌شود و سپس مورد بررسی و نقد قرار می‌گیرند.

۱. مکی بودن سوره عادیات از منظر روایات سبب نزول

روایات سبب نزولی که مورد استناد قرار می‌گیرند، سوره عادیات را در شمار سوره‌های مکی قرار می‌دهند. در این راستا دو روایت هم مضمون و به اعتباری یک روایت به چشم می‌آید:

۱. روایت/بن مسعود از طریق مجاهد: «...عن مجاهد فی قول الله ﴿والعادیات ضبحاً﴾ قال/بن مسعود: هو فی الحج» (رک: ۶۱، ج ۳۰: ۱۷۷).

۲. روایت/بن عباس از طریق سعید بن جبیر: «بینما أنا فی الحجر جالس، أتانی رجل یسأل عن العادیات ضبحاً فقلت له: الخیل حین تغیر فی سبیل الله، ثم تأوی إلى اللیل، فیصنعون طعامهم، ویورون نارهم. فانفتل عنی، فذهب إلى علی بن أبی طالب رضی الله عنه وهو تحت سقایة زمزم، فسأله عن «العادیات ضبحاً» فقال: سألت عنها أحداً قبلی؟ قال: نعم، سألت عنها/بن عباس، فقال: الخیل حین تغیر فی سبیل الله، قال: اذهب فادعه لی فلما وقفت علی رأسه قال: تفتی الناس بما لا علم لك به، والله لكانت أول غزوة فی الإسلام لبدر، وما كان معنا إلا فرسان: فرس للزبیر، و فرس للمقداد فكیف تكون العادیات ضبحاً إنما العادیات ضبحاً من عرفة إلى مزدلفة إلى منی؛ قال/بن عباس: فنزعت عن قولی ورجعت إلى الذی قال علی رضی الله عنه» (رک: ۶۱، ج ۳۰: ۱۷۶؛ ۴۰، ج ۶: ۳۸۳؛ ۶۹، ج ۵: ۶۵۶).

مدنی بودن سوره عادیات در بیان روایات سبب نزول

روایات سبب نزولی که بیانگر مدنی بودن این سوره هستند، به‌طور کلی در سه مورد خلاصه می‌شوند. این روایات عبارت‌اند از:

۱. **روایت عکرمه از ابن عباس:** «أن رسول الله (ص) بعث خيلاً فأسهبت شهراً لم يأتها منها خبر، فنزلت «وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا» ضبحت بمناخرها، إلى آخر السورة» (رك: ۹۲: ۴۸۹؛ ۳۹، ۳: ۶۰۸؛ ۱۶، ج: ۱۵: ۴۴).

۲. **روایت مقاتل:** «بعث رسول الله (ص) سرية إلى حى من كنانة واستعمل عليهم المنذر بن عمرو الأنصاري، فتأخر خبرهم، فقال المنافقون: قتلوا جميعاً، فأخبر الله تعالى عنها، فأنزل الله تعالى: «وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا» يعنى: تلك الخيل» (رك: ۹۲: ۴۸۹؛ ۵۷، ج: ۱۰: ۸۰۲؛ ۴۰، ج: ۶: ۳۸۳).

۳. **روایت امام صادق جعفر بن محمد (ع):** «لما بعث النبي (ص) علياً (ع) إلى ذات السلاسل فأوقع بهم وذلك بعد أن بعث عليهم مراراً غيره من الصحابة فرجع كل منهم إلى رسول الله (ص) وهو المروى عن أبي عبد الله (ع) في حديث طويل قال وسميت هذه الغزوة "ذات السلاسل" لأنه أسر منهم وقتل وسبى وشد أسراهم في الحبال مكتفين كأنهم في السلاسل ولما نزلت السورة خرج رسول الله (ص) إلى الناس فصلى بهم الغداة وقرأ فيها والعاديات فلما فرغ من صلاته قال أصحابه هذه سورة لم نعرفها فقال رسول الله نعم إن علياً ظفر بأعداء الله وبشرنى بذلك جبرئيل (ع) فى هذه الليلة فقدم على (ع) بعد أيام بالغنائم والأسارى» (رك: ۵۷، ج: ۱۰: ۸۰۳؛ ۶۹، ج: ۵: ۶۲۵).

تحليل و بررسی روایات سبب نزول

در میان این دو دسته از روایات، دو روایت نخست، مستمسکی جهت استناد طرفداران مکی بودن سوره عادیات قرار گرفته است. بر اساس قائلان این دیدگاه، از آن جهت که مناسک حج، در سرزمین مکه برگزار می‌شود، لا محاله مدلول این روایت بر مکی بودن این سوره اشاره دارد. علی‌رغم اینکه سند این روایات به خاطر وجود اشخاصی همانند ابن مسعود و مجاهد و هم‌چنین سعید بن جبیر و ابن عباس، از طریق روایی مناسبی برخوردار است ولی روایت ابن عباس از طریق سعید بن جبیر با روایت او به

واسطه عکرمه در تناقض است. گذشته از بررسی سندی، به لحاظ اشکال محتوایی، باید متذکر شد: این روایات به لحاظ متن، لزوماً بر مکی بودن این سوره دلالت نمی‌کند؛ هرچند در صورت اعتبار معیار مکانی - در تقسیم مکی و مدنی - می‌توان به آن تن داد؛ چه اینکه اگر مقصود از "عادیات" اسب‌های حاجیان در مراسم حج - به دوران پیش از هجرت - باشد، این انگاره در خور توجه نخواهد بود؛ زیرا گزارش مسلمی از حج گزاردن مسلمانان در سیزده سال بعثت و قبل از هجرت، در اختیار نیست و نفس اسب مشرکان در آن دوره، چنان در خور ارزش نمی‌باشد که خداوند به آن سوگند یاد کند؛ اما اگر مراد از عادیات، حج‌گزاران مسلمان در سال‌های پایانی عمر شریف رسول اکرم (ص) باشند؛ بنا بر دیدگاه دانش‌پژوهان علوم قرآن، می‌بایست این سوره را از شمار سوره‌های مدنی به حساب آورد. لذا از آن جهت که در تقسیم آیات و سوره‌ها به مکی و مدنی، معیار "زمان" از اعتبار و قائلان بیش‌تری برخوردار است (رک: ۳۵، ج ۱: ۲۷۴؛ ۴۲، ج ۱: ۵۵؛ ۳۴، ج ۱: ۱۹۴-۱۹۵؛ ۴۹؛ ۱۶۸؛ ۲۱؛ ۷۵؛ ۳۳؛ ۶۰؛ ۶۰؛ ۶۰؛ ۸۵؛ ۴۹؛ ۱۵؛ ۲۱-۲۳) و متعاقب آن آیات و سوره‌ی را که در ارتباط با حوادث پس از هجرت در مکه یا پیرامون آن به وقوع پیوسته است - همانند آیات مربوط به فتح مکه (فتح / ۱-۲۷؛ حدید / ۱۰؛ صف / ۱۳؛ نصر / ۱-۳)؛ آیه اکمال دین (مائده / ۳) و سوره فتح (در خصوص صلح حدیبیه) - را غالباً مدنی به حساب می‌آورند؛ می‌توان به این نتیجه دست یافت که منافات ندارد که این سوره در دوران مدینه نازل شده باشد اما با مراسمی در سرزمین مکه مرتبط باشد.

ثانیاً سخن علی (ع) "به لحاظ تقدّم و تأخّر رتبی کلام" به خلاصه و عصاره‌ای از جنگ بدر و وضعیت نامناسب مسلمانان از جهت عدّه و عدّه را بیان می‌دارد که نشان می‌دهد این سوره پس از جنگ بدر نازل شده است. ثالثاً بر اساس روایات بی‌شماری که از معصومان (ع) منقول است و در اعتبار آنها، هیچ‌گونه تردیدی بین قاطبه محدثان فریقین وجود ندارد، اعتبار و وثاقت روایات، مستلزم تأیید قرآن کریم است؛ بنابراین تمامی روایات برای صحت و سقم، سره از ناسره می‌بایست به قرآن کریم عرضه شوند و در صورت تأیید و موافقت قرآن کریم با آن روایات، مأخوذ و مجرای عمل هستند (رک: ۱۸، ج ۱: ۲۲۶؛ ۲۴؛ ۷۹؛ ۹۲، ج ۱: ۶۹؛ ۵۰؛ ۳۶۷؛ ۸۸؛ ۳۰؛ ۶۴؛ ۷؛ ۲۷۵؛ ۵۶؛ ۱۵۲؛ ۷۳، ج ۱: ۲۹۵؛ ۸۳، ج ۲: ۲۴۳؛ ۸۲، ج ۱: ۳۴۶؛ ۹۴، ج ۱: ۵۵؛ ۱۷۰؛ ۵۵، ج ۱۲: ۳۱۶). فلذا از آن جهت که

روایات عرضه نیز به دو قسم کلی تقسیم می‌شوند (رک: ۶۴، ج: ۷؛ ۲۷۵؛ ج: ۱، ۶۶؛ ج: ۱۹؛ ۲۲؛ ج: ۲۷؛ ۱۱۸-۱۱۹؛ ج: ۸۳؛ ج: ۲؛ ۲۳۵؛ ج: ۲۰؛ ۱۰۱-۱۰۲). چنانچه هر کدام از گونه این روایات، بر این مصداق و مورد خاص، حمل شود به منزله مؤید این دیدگاه قرار می‌گیرد. لذا روایتی که در حکم سبب نزول آیه‌ای وارد شده باشد و در صورتی که سند آن، متواتر یا خبر قطعی الصدور نباشد، باید به آیه و سوره مورد بحث، عرضه شود و در صورتی که مضمون آیات و قرائن پیوسته و گسسته، با آن روایت سازگار بود به آن روایت که به عنوان سبب نزول آن آیه یا سوره محسوب می‌شود، می‌توان اعتماد کرد (۵۳: ۱۷۶). بر این اساس، قصه و گزارش‌هایی را باید سبب نزول آیات تلقی کرد که در خود آیات، بدان تصریح یا اشاره قوی شده باشد و گرنه به‌صرف وجود گزاره‌ای در ذیل آیات، نمی‌توان آن را سبب نزول آن آیه و یا سوره دانست، ولو آن‌که با عبارت "فنزلت الآیه" و مانند آن همراه باشد (رک: ۹۱؛ ۱۶۳). رابعاً نخستین آیاتی که به مسلمانان، دستور حج گزاردن می‌دهد در سوره‌های مدنی قرار دارد (بقره/ ۲۰۴-۱۹۶؛ آل عمران/ ۹۶-۹۷؛ حج/ ۲۷-۳۷). از همین رو این احتمال وجود دارد، دست وضاعین حدیث به بخش دوم روایت راه یافته باشد تا در مجموع یکی از فضایل علی (ع) را با ساختن و نسبت دادن به خود حضرت (ع) کتمان سازند.

اما در خصوص روایات بخش دوم (مدنی بودن این سوره) باید اضافه کرد سند روایت اول و دوم درخور اعتناء است. گرچه روایت سوم را صاحب «مجمع البیان» به صورت منقطع نقل می‌کند؛ اما با کمی تتبع در منابع حدیثی و تفسیری امامیه که به لحاظ زمانی از طبرسی متقدم می‌باشند و از دیگر سو از حیث اتصال سند- از روات فریقین- تا به امام صادق (ع) طرق مختلفی بیان شده است و از جنبه محتوایی نیز، متن کامل این روایت و چگونگی رخداد این واقعه به صورت کاملاً مفصل گزارش می‌شود؛ می‌توان به این نتیجه دست یافت که تمامی این شواهد، مؤید و تصدیق‌کننده سبب نزول این سوره خواهند بود (برای گزارش این واقعه رک: ۷۷، ج: ۲؛ ۴۳۸-۴۳۴؛ ج: ۸۰؛ ۵۹۹؛ ج: ۸۷، ج: ۱؛ ۱۶۵؛ ج: ۶۵، ۴۰۷؛ ج: ۳۰؛ ج: ۲؛ ۲۴۶؛ ج: ۱۳؛ ج: ۱؛ ۲۳۰؛ ج: ۷۶؛ ج: ۱؛ ۱۶۸؛ ج: ۶۱؛ ج: ۱؛ ۳۸۳؛ ج: ۱۴؛ ج: ۷۸، ج: ۱۴؛ ج: ۴۰۳-۴۰۹؛ ج: ۶۹؛ ج: ۵؛ ۶۵۲؛ ج: ۷۴؛ ج: ۵؛ ۳۶۵؛ ج: ۸۳؛ ج: ۲۱؛ ج: ۷۵). از جهتی دیگر، متن و محتوای این سه روایت با یکدیگر منافاتی ندارند و به یکی از جنگ‌های سپاهیان اسلام "بدون

حضور پیامبر(ص) " اشاره دارند که مدت آن به طول انجامید و از آن گروه اعزامی، خبری به رسول اکرم(ص) و سایر مسلمانان نرسید که به فرجام خداوند سبحان با نزول این سوره، مژده موفقیت آنان را به پیامبر اکرم(ص) ابلاغ کرد.

در نتیجه هر سه روایات، به مدنی بودن این سوره اشعار دارند و هیچ جایی بر مکی بودن آن باقی نمی‌نهند. مع الوصف با عنایت به تمامی اشکالاتی که بر روایات مکی بودن سوره عادیات، مستقر است، هیچ امتناعی وجود ندارد که سوره عادیات از عداد سوره‌های مدنی محسوب شود و واژه عادیات نیز وصفی برای اسبان قلمداد شود و به اسبان تیزرو و جنگی صادق باشد؛ همان‌گونه که این معنا را برخی از مفسران و لغویان نیز بیان کرده‌اند(رک: ۷۵، ج ۲۱: ۱۵۳؛ ۵۷، ج ۱۰: ۸۰۳؛ ۵۸، ج ۴: ۵۲۵؛ ۳۶، ج ۴: ۷۸۶).

هرچند برخی اظهار کرده‌اند که آیات نخستین این سوره، اشاره به واقعه خاصی نمی‌باشد و روایات ذیل این سوره، بیش‌تر در حکم انطباق است(رک: ۵۲، ج ۴: ۲۲۶). اما در پاسخ باید گفته شود؛ این تشکیک، ناکارآمد و ناتمام است؛ زیرا تمامی شواهد مندرج در این سوره، بیانگر آن هستند که این ماجرا مربوط به قضیه شخصیّه است(رک: ۶۷، ج ۱۴: ۲۰۲).

از سویی دیگر عام بودن مفهوم و مفاد آیات، منافاتی با نزول آن در موردی خاص ندارد، از این رو گرچه ممکن است بسیاری از آیات قرآن کریم، مفهوم عام و گسترده‌ای داشته باشند ولی شأن نزول که مصداق اتمّ و اکمل آن است، موردی خاص باشد، لذا نمی‌توان عمومیت مفهوم آیات را دلیل بر نفی شأن نزول یا سبب نزول آن به حساب آورد(رک: ۸۹، ج ۲۵: ۳۴۵). از همین رو اگر روایتی با سلسله سند از یکی از معصومان(ع) گزارش شود و مدلول آن با مضمون سوره، هم‌سو و هم‌داستان باشد و قرائن پیوسته و گسسته نیز با زمینه نزول آن سوره، هماهنگ باشد، در حکم شأن نزول و یا سبب نزول آن، قرار خواهد گرفت(رک: ۲۶: ۴۷-۴۹).

لذا استنکافی وجود ندارد که این روایت، در حکم سبب نزول یا شأن نزول این سوره محسوب شود؛ همان‌گونه که سایر روایات صادرشده از سوی معصومان(ع) در ذیل برخی آیات، مؤید و گواه این امر است(رک: ۷۹، ج ۴: ۴۳۴-۴۳۵؛ ۷۰، ج ۱: ۷۰؛ ۵۷، ج ۲: ۶۶۷؛ ۵۷، ج ۳: ۱۰۰؛ ۷۸، ج ۳: ۱۱۶؛ ۸۳، ج ۲۱: ۳۴۰).

ضوابط و خصائص شناخت مکی و مدنی

پژوهشگران علوم قرآن برای شناسایی و تشخیص مکی یا مدنی بودن سوره‌ها، علاوه بر طریق سماعی - که بخش‌های پیشین این نوشتار بر آن نظارت داشت - طُرُقی را به صورت قیاسی و اجتهادی وضع کرده‌اند. گرچه شناسایی اکثر سوره‌های قرآن کریم به واسطه این ملاک‌ها درخور اعتناء اند ولی به جهت نارسایی در تعیین برخی از سوره‌ها اختلافی - نه توافقی - از شمولیت و جامعیت لازم برخوردار نبوده و در صدور یک حکم قطعی، شواهد و مؤیدات درون‌متنی و بینامتنی و بیرون‌متنی قوی‌تری را اقتضاء می‌کند. از همین رو «... در صورت اجتماع چندین خصیصه اگر موجب علم و یقین شوند و نص معارضي در میان نباشد، قابل اعتماد خواهند بود و موجب قوت احتمال و اطمینان می‌شود که کاربرد فقهی و تاریخی و کلامی و ... دارند» (رک: ۸۵: ۵۱). در این بخش، سوره عادیات بدین اعتبار نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. ضوابط سوره‌های مکی و مدنی

مراد از ضوابط در این علم، به مواردی گفته می‌شود که به خصوصیات الفاظ وابسته است (رک: ۱۵: ۷۶). این موارد خود به دو دسته ضوابط سوره‌های مکی و مدنی تقسیم می‌شوند:

أ. ضوابط سوره‌های مکی

با تطبیق بسیاری از این ضوابط بر سوره عادیات، این سوره از شمار مکی بودن خارج می‌شود؛ مانند عدم آغاز سوره با حروف مقطعه (رک: ۳۵، ج ۱: ۲۷۵؛ ۴۲، ج ۱: ۸۲)؛ عدم حرف کَلَّا (رک: ۴۲، ج ۱: ۸۲)؛ عدم داستان آدم و ابلیس (رک: ۳۵، ج ۱: ۲۷۵)؛ نداشتن سجده واجب (رک: ۴۲، ج ۱: ۸۲)؛ نبود «یا ایها الناس» در آیات این سوره (رک: ۳۵، ج ۱: ۲۷۶-۲۷۷)؛ عدم ذکر داستان انبیاء و امت‌های پیشین (رک: ۳۵، ج ۱: ۲۷۶).

گرچه می‌توان گفت بر اساس برخی از ضوابط دیگر، مکی بودن این سوره به دست می‌آید؛ مانند قرارگرفتن سوره، در دسته سوره مَفْصَلَات (رک: ۳۴، ج ۱: ۱۹۰). اما از آنجایی که ضابطه اخیر، از قاعده معینی پیروی نمی‌کند؛ نمی‌توان صرفاً به واسطه این

ضابطه، لزوماً بر مکی بودن "عادیات" حکم کرد؛ چه اینکه، این ضابطه به سوره "ناس" پایان می‌پذیرد اما در مورد آغاز آن، نظرات مختلفی وجود دارد؛ سیوطی در این خصوص، دوازده نظریه را گزارش می‌کند که بنا به نظر دهم، سرآغاز این دسته با سوره انسان و بر اساس برخی گزارش‌های دیگر، سوره اعلی و بنا به نقلی دیگر سوره ضحی قرار دارند (رک: ۴۲، ج: ۱: ۲۲۴-۲۲۵) و زرکشی، حجرات را سرآغاز آن معرفی می‌کند (رک: ۳۵، ج: ۱: ۳۴۲).

ب. ضوابط سوره‌های مدنی

در مقابل ضابطه‌هایی برای شناسایی مدنی بودن سوره‌ها بیان شده است. مانند هر سوره‌ای که در آن فرمان جهاد و احکام آن بیان شده باشد (رک: ۳۴، ج: ۱: ۱۹۱)؛ سوره‌هایی که در آن «یا ایها الذین آمنوا» آمده است (رک: ۳۵، ج: ۱: ۲۷۷-۲۷۸؛ ۴۲، ج: ۱: ۸۱)؛ سوره‌ای که در آن ذکری از منافقان شده باشد «به‌جز عنکبوت» (رک: ۴۲، ج: ۱: ۸۲)؛ هر سوره‌ای که در آن، فریضه «واجب» و سنت «مستحب» آمده است (رک: ۳۵، ج: ۱: ۲۷۵؛ ۴۲، ج: ۱: ۸۲).

بر اساس معنای لغوی واژگان این سوره- که در بخش آتی خواهد آمد- می‌توان گفت گرچه آیات آغازین سوره عادیات، ناظر به مسأله جنگ و جهاد می‌باشد؛ اما سایر ضوابط، در این سوره به کار نرفته است. از این رو منافاتی ندارد که این سوره مدنی باشد و تنها با یک ضابطه شاخص آن مطابقت کند. چه بسا در سوره‌های مدنی یا مکی، ضابطه‌ای حکم فرما نباشد و یا حداقل با یکی از آن‌ها تطابق کند. در نتیجه با توجه به ضوابط سوره‌های دسته نخست، مکی بودن "عادیات" به دست نمی‌آید و با عنایت به ضوابط دسته دوم، موافق بودن با سوره‌های مدنی و حداقل، عدم منافات با این دسته خودنمایی می‌کند.

۲. خصائص سوره‌های مکی و مدنی

علاوه بر ضوابط مذکور در منابع علوم قرآن، خصوصیات نیز مورد توجه پژوهشگران اسلامی قرار گرفته است. علی‌رغم قرار گرفتن موارد استثنایی در تشخیص سوره‌های

مکی و مدنی، دلیلی بر التزام بر یک خصوصیت به طور خاص وجود ندارد؛ زیرا بسیاری از این ویژگی‌ها، اموری شایع و پرکاربرد، هستند و موارد استثنایی آن‌ها به مراتب، بیش‌تر از ضوابط می‌باشند. از این رو می‌توان بیان داشت: مراد از خصائص اموری هستند که به ویژگی‌های اسلوب و معنا مرتبط می‌شوند (رک: ۱۵: ۸۶) و در دو بخش اسلوبی و موضوعی قابل تقسیم هستند:

خصائص اسلوبی سوره‌های مکی

کثرت اسلوب تأکید و الفاظ تثبیت معنی و کثرت فواصل (رک: ۳۳، ج ۱: ۱۶۸؛ ۵۲: ۴۱)، کوتاهی آیه‌ها و سوره‌ها (رک: ۳۴، ج ۱: ۱۹۶). هرچند این خصوصیات، در سوره‌های مکی زیادی وجود دارد اما همان‌گونه که بیان گردید؛ موارد استثنایی آن، اندک نیست و سوره‌های مکی یافت می‌شود که فاقد این خصوصیت هستند. به عنوان مثال در سوره "اعراف" با تمام طولانی بودنش (۲۰۶ آیه) یک اسلوب قسم هم وجود ندارد. سایر ابزار تأکید نیز، بیش‌تر از سوره‌های مدنی نیست. این ویژگی در سوره "یونس" هم یافت می‌شود. تنها یک قسم و یک تشبیه صریح در این سوره طولانی به کار رفته است. سوره فرقان نیز ابزار تأکیدی بیش از سوره‌های مدنی ندارد.

مع ذلک با همه کوتاهی آیات عادیات، نمی‌توان صرفاً بر اساس این وجه ممیزه، به مکی بودن عادیات، به داوری نشست. این احتمال می‌رود؛ کوتاهی آیات این سوره، از آن جهت باشد که لازمه واقعه‌گویی و نقل ماجرا- مخصوصاً با رویکرد حماسی و رزمی- اقتضاء می‌کند که گوینده در جملات خود فنون و هنرهایی چون افزایش و کاهش وزن و موسیقی کلام، لحن تند و آرام، کوتاهی جملات و تأکیدات پی‌درپی و ... را به کار ببندد که تمامی این عوامل در منفعل و منقلب ساختن روحیه شنونده، تأثیری بسزا می‌نهد.

از همین رو برای اثبات مکی بودن این سوره به اجتماع قرائن بیش‌تری نیازمند است تا موجب علم و قوت احتمال شود. در نتیجه بر اساس این خصوصیات، لزوماً مکی بودن "عادیات" به دست نمی‌آید؛ هرچند که برخی از این خصائص بر این سوره قابل تطبیق هستند.

ب. خصائص موضوعی سوره‌های مکی

از جمله ویژگی بارز موضوعات سور مکی؛ سخن از عادات و رسوم ناپسند(رک: ۳۴، ج ۱: ۱۹۶)؛ دعوت به اصول اخلاقی و حقوق اجتماعی(رک: همان)؛ تثبیت اصول اعتقادی(رک: ۳۴، ج ۱: ۱۹۵-۱۹۶)؛ توجه به داستان انبیاء و اخبار امت‌ها پیشین(رک: ۳۴، ج ۱: ۱۹۰) است. آنچه از ظواهر آیات این سوره به دست می‌آید: توضیحی پیرامون عادات زشتی چون قتل، زنده‌بگور کردن دختران، آبروریزی، مال یتیم خواری، مشهود نیست؛ همانطور که پیرامون اصول و حقوق اجتماعی، سخنی مطرح نگردیده است. هرچند در آیات پایانی این سوره(۹-۱۱) به صورت اجمال، مسأله رستاخیز مورد اشاره قرار می‌گیرد؛ اما آن‌گونه که در سوره‌های مکی، این مسأله با بسط چشمگیری روبه‌روست(مثل طه/ ۱۰۵-۱۱۱؛ طور/ ۹-۱۰؛ واقعه/ ۱-۷؛ حاقه/ ۱۳-۱۸؛ قیامت/ ۶-۱۳؛ نبأ/ ۱۷-۲۶؛ تکویر/ ۱-۴؛ قارعه/ ۱-۵). در این سوره مورد توجه نبوده است. لذا وقوع این امر در سوره‌های مدنی، دلیلی دیگر است که لزوماً مکی بودن عادیات را به دست نمی‌دهد(همانند قرار گرفتن این مطالب در آیات سوره‌های بقره/ ۲۵۹، آل عمران/ ۲۵؛ نساء/ ۸۷؛ احزاب/ ۶۳؛ مجادله/ ۶؛ زلزال/ ۱-۶). داستان پیامبران پیشین و امت‌های گذشته نیز در این سوره بازگو نشده است؛ اما در برخی از سوره‌های مدنی(مانند بقره و آل عمران) مورد عنایت بوده است.

خصائص اسلوبی سوره‌های مدنی

طولانی بودن سوره‌ها و آیه‌های آن(رک: ۲۳، ج ۱: ۱۹۷؛ ۴۵: ۱۸۴)؛ اسلوب آرام و استدلالی روشن در روایتی با اهل کتاب و اسلوب تحقیر در مقابله با منافقان و رسواسازی مقاصد پلیدشان(همان). گرچه سوره‌های پایانی قرآن کریم به لحاظ اندازه و تعداد، به صورت خیلی کوتاه اما متعدد، قرار گرفته‌اند؛ ولی این مطلب منافاتی با مدنی بودن عادیات ندارد؛ چه اینکه در بخش نهایی قرآن کریم، سوره‌هایی نیز وجود دارند؛ علی‌رغم اینکه آیات آن، مطوّل نیستند ولی از شمار سوره‌های مدنی محسوب می‌شوند. همانند نصر، و قرار گرفتن دو سوره مدنی "بینه و زلزال" قبل از "عادیات"، بر این احتمال می‌افزاید. از سویی دیگر عدم ذکر مواجهه با اهل کتاب و افشاسازی

نیرنگ‌های منافقان، از آن روست که اصالتاً این افراد در این سوره، مورد خطاب و هدف نیستند. نبود این اسلوب در سوره‌های مدنی دیگر همانند حجرات و تغابن، طلاق، تحریم، زلزال؛ خود دلیلی بر عدم مدنی بودن سوره عادیات نخواهد بود.

خصائص موضوعی سوره‌های مدنی

بیان جزئیات تشریح و تفصیل احکام و انواع قوانین مدنی، اجتماعی، جنایی، جنگی، کشوری، حقوق شخصی (۳۴، ج ۱: ۱۹۷). این معنی، بدون تردید، در سوره‌های مدنی بسیاری واقع شده است؛ اما اینکه در هر سوره مدنی، این موضوع صادق باشد، قابل اثبات نیست. در سوره‌های مدنی چون؛ رحمن، بینه، زلزال و نصر، شرح و تفصیل احکام، این مقوله صدق نمی‌کند.

تشریح جهاد و فلسفه و احکام آن (رک: ۳۴، ج ۱: ۱۹۱؛ ۴۹: ۱۸۴)؛ این معنا با توجه به معنای واژگان و مضامین آیات سوره عادیات در فرآیندی هم‌سو با روایت صادر شده از امام صادق (ع) - که آن را ناظر به مسأله پیکار مسلمانان با کفار در جنگ ذات السلاسل می‌داند - قابل صدق است.

محتوا و مضمون سوره عادیات

سوره عادیات هم‌سان دیگر سوره‌های قرآن کریم، دارای نظم و وزن خاصی است. تناظر و ارتباط آیات آن با یکدیگر، تأییدی بر ارتباط و هم‌پیوندی آن‌ها با هم می‌نهد؛ به گونه‌ای که وحدت سیاق و سیمای کلی این سوره، در برخوردهایی سریع و حرکت آفرینی، جریان دارد و بر اثر پرش و جهش، و دویدن همراه با چابکی و سرعت، از یکی به دیگری منتقل می‌گردد تا اینکه به آخر آیاتش می‌رسد که در آن، لفظ، سایه، موضوع و ایقاعات، به کلی متوقف می‌گردند، همان‌گونه که دونده به پایان حرکت خود می‌رسد؛ در آخر آیات نیز، غبار برانگیخته‌شده و سرکشی و پراکندگی، جملگی به پایان خود می‌رسند (رک: ۴۳، ج ۶: ۳۹۵۷). آنچه از مضامین آیات آغازین این سوره در برقراری ارتباط با آیات پایانی آن، خودنمایی می‌کند، تعدد و تنوع سوگندها به اسب‌هایی است که با سرعت به سوی میدان نبرد با جدّ و جهد، به تاختن مشغول هستند. آهنگ و وزن

موسیقایی این سوره با سوگندهای آن و هر دوی این‌ها با جواب قسم و مطالب پایانی آن، هم‌خوانی و ارتباطی تام برقرار کرده است که به دنبال آن، ایقاعات خاص این سوره و ترکیب تند حرکات و کثرت حرکات کشیده در آن، عیناً تصویرگر این صحنه پُرشور و حساس خواهند بود (رک: ۲۷: ۳۴۱).

علی‌رغم اینکه پیرامون روایات ترتیب نزول و سبب نزول این سوره، تفاوت اقوال مشهود بود، درباره برخی از واژگان این سوره نیز، اتفاق نظر مشاهده نمی‌شود (رک: ۶۱، ج ۳: ۱۷۶؛ ۴۰، ج ۶: ۳۸۳). مع ذلک پس از نقل معنای واژگان، از دیدگاه اهل زبان و سپس کاربرد آن در سیاق آیات و هم‌چنین بررسی دیدگاه مفسران، به پیراستن اختلاف از این اقوال، پرداخته خواهد شد.

قرآن کریم در نخستین آیات این سوره، سخن از یک حادثه جنگی و صحنه حماسی می‌کند و آن را با قسم‌های پیاپی می‌آغازد و آن را در منظره‌ای زیبا به کسوت الفاظ می‌آراید و در این باره می‌فرماید: ﴿وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا﴾ آنچه درباره واژه "عادیات" در منابع لغوی مشاهده می‌شود، این واژه جمع "عادیة" از ماده "عَدُو" بوده و در اصل به معنی گذشتن و جدا شدن است؛ این امر، چه به صورت قلبی و روحی محقق شود؛ در این صورت آن را "عداوت" گویند و چه به اعتبار کوتاهی نمودن از عدالت و افساد در معامله باشد که آن را "عدوان" می‌نامند و چه در حرکت خارجی و راه رفتن ظهور و بروز بیابد، آن را "عدو" (دویدن) گویند (رک: ۳۲: ۵۵۳). لذا با در نظر داشتن پیوستگی و سیاق آیات، می‌توان نتیجه گرفت که منظور از عادیات در این آیه همان "دویدن با سرعت" خواهد بود. از همین رو تعداد زیادی از مفسران و لغویان، به معنای اخیر اشاره کرده‌اند (رک: ۶۱، ج ۳: ۱۷۶؛ ۴۸، ج ۳: ۳۸۸؛ ۲۸، ج ۳: ۴۹۱؛ ۳۶، ج ۴: ۷۸۶). واژه "ضبح" به معنای مطلق صدا و یا به معنای صدایی که از نفس‌های اسبان برمی‌آید اطلاق می‌شود (رک: ۸، ج ۳: ۳۸۵؛ ۳۲: ۵۰۱). آنچه معروف در میان اهل لغت و مفسران است، این کلمه در خصوص اسبان به کار می‌رود و حاکی از همهمه و تنافس اسبان، در هنگام دویدن می‌باشد (رک: ۷۲، ج ۳: ۲۸۴؛ ۵۷، ج ۱: ۸۰۲؛ ۱۲، ج ۲: ۳۷۲). در نتیجه می‌توان آیه نخست را این‌گونه معنا کرد: «سوگند به اسبان تیزتک، که در هنگام دویدن، نفس نفس می‌زنند».

در توصیفی دیگر در آیه دوم، می‌فرماید: ﴿فالموريات قدحاً﴾ واژه "موریات" همان‌گونه که متذکر شده‌اند؛ جمع اسم فاعل از مصدر "یراء" به معنای "خارج کردن آتش" است و این آتش به جهت ضعف و کم‌فروغ بودنش، به آتش حباب معروف است (رک: ۷۲، ج ۳: ۲۸۴؛ ۵۷، ج ۱: ۸۰۲). درباره واژه "قدحاً" همان‌طور که بیان شده است؛ به معنای زدن سنگ یا چوب یا آهن و چخماق به یکدیگر برای تولید جرقه است (رک: ۶۲، ج ۲: ۴۰؛ ۹۰: ۳۲۲). دلیل اصلی اینکه اسبان عادیات را به "موریات قدحاً" توصیف کرد، به خاطر آن است که اسبان هنگام دویدن، از اصابت نعل‌هایشان به سنگزارهای زمین، جرقه‌هایی را به اطراف می‌جهانند (۵۴، ج ۲: ۳۴۵). معنای آیه دوم می‌شود: «قسم به اسبانی که با سُم‌هایشان جرقه‌های آتش برمی‌افروزند».

در امتداد این تصویرگری، در آیه سوم، حتی لحظه وقوع و ظرف زمان این واقعه "سپیده‌دم" را نیز متذکر می‌شود که حاکی از دشمن‌ستیزی، روح نظامی و بطولت سربازان فداکار این واقعه خواهد بود. لذا در همین راستا می‌فرماید: ﴿والمغیرات صباحاً﴾ واژه "مغیرات" همان‌گونه که اکثر مفسران و لغت‌نویسان بیان داشته‌اند؛ جمع مؤنث اسم فاعل از باب افعال (اغارة) است (۴۸، ج ۳: ۳۸۹). "اغارة" و هم‌چنین "غارت" به معنای هجوم بردن بر دشمن و یا سواره یورش بردن بر خصم است (رک: ۶۲، ج ۳: ۲۸۴؛ ۷۵، ج ۲: ۱۵۸). در نتیجه این عبارات که ظاهراً و مجازاً صفت خیل قرار گرفته‌اند، صفت سوارگان صاحب خیل محسوب می‌شود (رک: ۵۴، ج ۲: ۳۴۶).

در سوگندی دیگر حتی به برانگیختن غبارهای معلق در فضا نیز اشاره می‌کند. این امر نمایانگر اوج اهمیت جهاد و ارزنده بودن عمل جهادگران است که قرآن کریم، حتی به مسائل در ظاهر کوچک جهاد که به خاطر گسترش و احیای کلمه توحید، نثار و ایثار می‌شود را مورد عنایت قرار داده است (رک: ۹۰: ۳۲۲). در ادامه این آیات می‌فرماید: ﴿فَأَثَرُنَّ بِهِ نَفْعاً﴾ کلمه "أثرن" جمع مؤنث غایب از فعل ماضی و از مصدر "اناره" است که به معنای برانگیختن گرد و غبار می‌باشد و کلمه "نفع" در منابع لغوی و تفسیری به معنای "غبار یا خاک" بیان شده است (رک: ۷۲، ج ۳: ۲۸۴؛ ۶۲، ج ۴: ۳۹۸؛ ۳: ۲، ج ۲: ۹۴۳). در آخرین خصوصیت از ویژگی‌های مزبور، به یورش و هجوم این مجاهدان، سوگند یاد می‌کند که به صورت خیلی سریع و ناگهانی و به طرز کاملاً شگفت‌انگیزی در میان خیل

دشمن حاضر می‌شوند: ﴿فَوَسَّطَنَ بِهِ جَمْعًا﴾. کلمه "وسط" که مصدر فعل "وسطن" است، به معنای توسط و در وسط قرار گرفتن است (رک: ۳۶، ج: ۴: ۷۸۷).

پس از چندین قسم به طور متوالی، به عنوان جواب قسم، سه خصلت از ویژگی‌های بنی‌آدم را متذکر می‌شود که انسان طبیعتاً و نه فطرتاً، به پروردگار و صاحب نعمت‌هایش ناسپاس است و خود بر کفران‌گری خویش (عالمماً و عامداً) آگاه و گواه است. این چنین انسانی، علاقه و انگیزه وافر می‌باشد به هر خیر و مطلوب‌های برتر را در درون خود می‌پرورداند: ﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ ۚ وَإِنَّهُ عَلَىٰ ذَلِكَ لَشَهِيدٌ ۚ وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ ۚ﴾.

در واپسین آیات این سوره، پس از سوگندهای پی‌درپی در کسوت اسلوب انذاری و استفهام انکاری، دو صحنه گریزناپذیر روز بازپسین، یعنی زیر و رو شدن قبور و آشکار شدن پنهانی‌ها و خبیر بودن خداوند سبحان از تمامی نیت‌های انسان را متذکر می‌شود: ﴿أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا بُعْثَ رَمَاهُ فِي الْقُبُورِ ۖ وَحُصِّلَ مَا فِي الصُّدُورِ ۖ إِنَّ رَبَّهُم بِهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّخَبِيرٌ ۚ﴾.

تاریخ‌گذاری و تخمین زمان نزول سوره عادیات

با توجه به مطالبی که پیش‌تر مورد بررسی قرار گرفت؛ می‌توان به محدوده زمان نزول سوره عادیات نزدیک شد. از همین رو تاریخ‌گذاری سوره عادیات صرفاً به واسطه روایات ترتیب نزول، نمی‌تواند صحیح باشد؛ زیرا هر یک از این روایات، ترتیب نزول آن را به بازه زمانی خاص، معرفی می‌کنند که با یکدیگر مغایرت و مباحثی تام دارند. در نتیجه برای رسیدن به یک محدوده زمانی معین، باید قرائن و شواهد قوی‌تری مورد بررسی قرار گیرند تا دیدگاه راجح، از قوام و استحکام قابل ملاحظه‌ای برخوردار شود.

هرچند روایات سبب نزول عادیات به دو دسته کلی، قابل تقسیم است ولی نقدهایی که هم به لحاظ سند و هم به لحاظ محتوایی بر روایات مکی بودن، مترتب است؛ پذیرش مکی بودن آن را با مشکل روبه‌رو می‌کند که در نتیجه آن، در صورت فرض پذیرش سند و متن این روایات، باز بر مکی بودن این سوره دلالت نخواهد کرد؛ اما در مقابل با عنایت به روایتی که از سوی امام صادق (ع) با سلسله سند، منقول است و در راستای هم‌سویی و هم‌سانی آن روایت، با فضای غالب بر این سوره و هم‌چنین قرائن دیگری که در گنجینه معارف امامیه به آن اشاره شده است، می‌توان به مدنی بودن این سوره دست یافت؛

همانند اینکه از امام صادق (ع) نقل شده است: «من قرأ سورة العاديات وأدمن قراءتها بعثه الله عز وجل مع أمير المؤمنين (ع) يوم القيامة خاصة وكان في حجره ورفقائه» (رک: ۵۱: ۱۲۵): «هر کسی سوره عادیات را بخواند و بر تلاوت آن مداومت نماید خداوند او را در روز قیامت با نیکان خصوصاً) امیر مؤمنان (ع) برمی‌انگیزاند و در کنار آن حضرت (ع) و از هم‌نشینان او خواهد بود». هم‌چنین در ادعیه مأثوره و زیاراتی که از ائمه معصومان (ع) به سند معتبر و متصل در شأن علی (ع) گزارش می‌شود، سوره عادیات را در فضیلت علی (ع) معرفی می‌کنند: «...السلام علیک یا من نزلت فی فضله سورة العاديات...» (رک: ۹: ۲۰۸؛ ۷: ۳؛ ۱۳۲؛ ۸۴: ۲۶۶ و ۴۷۸؛ ۸۳، ج ۹۷: ۳۷۴). تمامی این موارد، به منزله مؤیداتی هستند که با مفاد روایتی که پیرامون جنگ ذات السلاسل - که بر فضیلت و منقبت علی (ع) - دلالت می‌کند، هماهنگ و هم‌سو می‌باشند.

بنابراین از آنجایی که در سرزمین مکه این امکان و ابزار برای مسلمانان فراهم نبود تا با دشمنانشان هم‌وردی کنند و از آن رو که اصولاً موضوع جهاد، پس از هجرت پیامبر اکرم (ص) به مدینه تشریح شده است و متعاقب آن، تمامی جنگ‌های مسلمانان صدر اسلام با کفار و ایادی آنان در مدینه و یا در اطراف آن به وقوع پیوسته است و از دیگر سو؛ با عنایت به تعبیر و مضامین این سوره، می‌توان نتیجه گرفت مدنی بودن این سوره، از دیدگاهی راجح و صائب برخوردار است. در نهایت با عنایت به اینکه پیکار مسلمانان با کفار قریش در جنگ "ذات السلاسل" در سال هشتم هجری و قبل از فتح مکه، به وقوع پیوسته است؛ می‌توان به این نتیجه دست یافت که سوره عادیات در آن سال نازل شده است.

نتیجه بحث

روایات ترتیب نزول سوره‌های قرآن کریم، منشأ اصلی بروز اختلاف در مکی یا مدنی بودن برخی سوره‌ها و نیز زمینه وقوع اختلاف و تضارب آراء میان مفسران و قرآن پژوهان اسلامی شده است. چه اینکه بر اساس این منابع نقلی و روایی بیش‌تر سوره‌های قرآن، بدون اختلاف مکی و شمار کم‌تری به اتفاق مدنی هستند ولی برخی از

سوره‌ها به دلایلی همچون تصحیف، تحریف و حتی جعل، اختلاف وجود دارد که این امر خود، خواسته یا ناخواسته به بروز اختلافات دیگر انجامیده است.

تاریخ‌گذاری هر سوره قرآن کریم، خصوصاً سوره‌های اختلافی (مثل "عادیات") مستلزم آن است که در گام نخست، منابع نقلی همانند روایات ترتیب نزول، سبب نزول مورد توجه قرار گیرند و به دنبال آن، سند و متن و محتوای آن‌ها بررسی شوند و آن‌گاه با استفاده از روش قیاسی و بکارگیری قواعد، ضوابط و خصائص سوره‌های مکی و مدنی، مورد بررسی واقع شوند و در نهایت، می‌توان با در نظر گرفتن نتایج هر دو راه شناخت؛ نخست به مکی یا مدنی بودن آن سوره و سپس به محدوده زمانی نزول آن دست یافت.

روایات سبب نزولی که بر مدنی بودن سوره عادیات دلالت دارند به طور کلی به دو گونه قابل تقسیم هستند؛ گونه دوم این روایات هرچند ظاهراً به صورت مرسل به امام صادق (ع) منسوب است، ولی با کمی تتبع در منابع امامیه هم از حیث سند، اسناد کامل آن روایت، از روایت فریقین گزارش شده است و هم از جهت محتوا، متن کامل آن همراه با توضیح تفصیلی، بیان می‌شود. لذا از آنجایی که این روایت در منابع مختلف امامیه - به صورت مکرر - نقل شده است و از منظر محتوایی با مضامین این سوره، هماهنگ و هم‌سو می‌باشد، می‌توان این روایات را به عنوان سبب نزول و یا شأن نزول این سوره محسوب کرد.

هرچند برخی روایات ترتیب نزول، سبب نزول و برخی ضوابط و خصائص سوره‌ها، مکی بودن "عادیات" را نشان می‌دهد اما با بررسی دقیق و جامع الاطراف آن‌ها و در نظر گرفتن معنای واژگان سوره عادیات و شواهد و قرائن گسسته‌ای که در منابع امامیه منقول است و نزول این سوره را در فضیلت علی (ع) بیان می‌کند، بر تقویت و استحکام این دلایل می‌افزاید، از همین رو؛ مدنی بودن سوره از یک سو و سال نزول آن از سویی دیگر به دست می‌آید.

کتابنامه

- [۱] قرآن کریم.
- [۲] ابن اثیر، جزری. ۱۳۸۵ق، **الکامل فی التاریخ**، جلد ۲، بیروت: دار صادر.
- [۳] ابن درید، محمد بن حسن. ۱۹۸۸م، **جمهرة اللغة**، جلد ۲، بیروت: دار العلم للملایین.
- [۴] ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی. ۱۳۷۹ق، **مناقب آل أبی طالب علیهم السلام**، جلد ۶، قم: نشر علامه.
- [۵] ابن ضریس بجلی، ابو عبد الله بن ایوب. ۱۴۰۸ق، **فضائل القرآن وما أنزل من القرآن بمكة وما أنزل بالمدينة**، دمشق: دار الفکر.
- [۶] ابن طاووس، علی بن موسی. بی تا، **سعد السعود للنفوس منضود**، قم: دار الذخائر.
- [۷] ابن طاووس، علی بن موسی. ۱۳۷۶ش، **إقبال الأعمال الحسنة**، جلد ۳، تهران: دفتر تبلیغات اسلامی.
- [۸] ابن فارس، احمد. ۱۴۰۴ق، **معجم مقاییس اللغة**، جلد ۳، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- [۹] ابن مشهدی، محمد بن جعفر. ۱۴۱۹ق، **المزار الكبير**، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- [۱۰] ابن ندیم، أبو الفرج بن معتزلی شیعی. ۱۴۱۷ق، **الفهرست**، جلد ۱، چاپ دوم، بیروت: دار المعرفة.
- [۱۱] ابن هائم شهاب الدین، احمد بن محمد. ۱۴۲۳ق، **التبیان فی تفسیر غریب القرآن**، جلد ۱، بیروت: دار الغرب الإسلامی.
- [۱۲] ابوالفتوح رازی، حسین بن علی. ۱۴۰۸ق، **روض الجنان وروح الجنان فی تفسیر القرآن**، جلد ۲، مشهد: آستان قدس رضوی.
- [۱۳] اربلی، علی بن عیسی. ۱۳۸۱ق، **كشف الغمة فی معرفة الأئمة**، تبریز: بنی هاشم.
- [۱۴] استرآبادی، علی. ۱۴۰۹ق، **تأویل الآیات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة**، قم: مؤسسة النشر الإسلامی.
- [۱۵] اقبال، ابراهیم. ۱۳۹۳ش، **شناخت مکی و مدنی**، تهران: چاپ و نشر بین الملل.
- [۱۶] آلوسی، محمود. ۱۴۱۵ق، **روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم**، جلد ۱۵، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- [۱۷] بحرانی، سید هاشم. ۱۴۱۶ق، **البرهان فی تفسیر القرآن**، جلد ۱، تهران: بنیاد بعثت.
- [۱۸] برقی، احمد بن محمد بن خالد. ۱۳۷۱ش، **المحاسن**، چاپ دوم، قم: دار الکتب الإسلامیه.
- [۱۹] بیضاوی، عبدالله بن عمر. ۱۴۱۸ق، **أنوار التنزیل وأسرار التأویل**، جلد ۵، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- [۲۰] جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۸۹ش، **نزهت قرآن از تحریف**، چاپ چهارم، قم: نشر اسراء.

- [۲۱] حجتی، محمد باقر. ۱۳۸۹ش، پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، چاپ بیست و هشتم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- [۲۲] حرّ عاملی، محمد بن حسن. ۱۴۰۹ق، وسائل الشیعة، جلد ۲۷، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام.
- [۲۳] حسین احمد، عبدالرزاق. ۱۴۲۰ق، المکی والمدنی فی القرآن الکریم، قاهره: دار ابن عفان.
- [۲۴] حمیری، عبد الله بن جعفر. ۱۴۱۳ق، قرب الإسناد، قم: مؤسسه آل‌البیت (ع).
- [۲۵] حنبلی، عبد بن محمد العکری. ۱۴۰۶ق، شذرات الذهب فی أخبار من ذهب، تحقیق عبدالقادر الأرنؤوط، دمشق: دار بن کثیر
- [۲۶] حیدری فر، مجید. ۱۳۹۱ش، مهندسی فهم و تفسیر قرآن، قم: بوستان کتاب.
- [۲۷] خوش منش، ابوالفضل. ۱۳۹۰ش، حمل قرآن: پژوهشی در روش‌شناسی تعلیم و تحفیظ قرآن مجید، چاپ سوم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- [۲۸] دخیل، علی بن محمد علی. ۱۴۲۲ق، الوجیز فی تفسیر الکتب العزیز، جلد ۳، چاپ دوم، بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
- [۲۹] درویش، محی‌الدین. ۱۴۱۵ق، اعراب القرآن و بیانہ، جلد ۱۰، چاپ چهارم، سوریه: دار الارشاد.
- [۳۰] دیلمی، حسن بن محمد. ۱۴۱۲ق، إرشاد القلوب إلی الصواب، قم: شریف رضی.
- [۳۱] ذهبی، شمس‌الدین بن عثمان. ۱۴۰۷ق، تاریخ الإسلام ووفیات المشاهیر والأعلام، تحقیق عمر عبد السلام تدمری، لبنان: دار الکتب العربی.
- [۳۲] راغب اصفهانی، حسین بن محمد. ۱۴۱۲ق، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت: دار القلم.
- [۳۳] رامیار، محمود. ۱۳۶۹ش، تاریخ قرآن، چاپ سوم، تهران: امیرکبیر.
- [۳۴] زرقانی، عبد العظیم. بی تا، مناهل العرفان فی علوم القرآن، دار احیاء التراث العربی.
- [۳۵] زرکشی، محمد بن عبد الله. ۱۴۱۰ق، البرهان فی علوم القرآن، بیروت: دار المعرفة.
- [۳۶] زمخشری، محمود. ۱۴۰۷ق، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، جلد ۴، چاپ سوم، بیروت: دار الکتب العربی.
- [۳۷] سبحانی تبریزی، جعفر. ۱۴۲۱ق، مفاهیم القرآن، چاپ چهارم، قم: مؤسسه الامام الصادق (ع).
- [۳۸] سبحانی تبریزی، جعفر. ۱۳۸۵ش، فروغ ابدیت: تجزیه و تحلیل کاملی از زندگی پیامبر اکرم (ص)، چاپ بیست و یکم، قم: بوستان کتاب.
- [۳۹] سمرقندی، نصر بن محمد بن احمد. بی تا، بحر العلوم، بیروت: دار الفکر.
- [۴۰] سیوطی، جلال‌الدین. ۱۴۰۴ق، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، جلد ۸، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.

- [۴۱] سیوطی، جلال الدین. ۱۴۱۶ق، تفسیر الجلالین، بیروت: مؤسسه النور للمطبوعات.
- [۴۲] سیوطی، جلال الدین. ۱۴۲۱ق، الإیتقان فی علوم القرآن، جلد ۱، چاپ دوم، بیروت: دار الكتاب العربی.
- [۴۳] شاذلی، سید بن قطب بن ابراهیم. ۱۴۱۲ق، فی ظلال القرآن، جلد ۶، چاپ هفدهم، قاهره: دار الشروق.
- [۴۴] شافعی، علی بن عبد الله. ۱۹۹۵م، تاریخ مدینة دمشق و ذکر فضلها وتسمیة من حلها من الأمائل، تحقیق محب الدین بن غرامة العمری، بیروت: دار الفكر.
- [۴۵] شایع، محمد بن عبدالرحمن. ۱۴۱۸ق، المکی والمدنی فی القرآن الکریم، الرياض.
- [۴۶] شریعتی، محمدتقی. بی تا، تفسیر نوین، تهران: نشر فرهنگ اسلامی.
- [۴۷] شهرستانی، ابوالفتح محمد بن عبدالکریم. ۱۳۸۶ش، مفاتیح الاسرار ومصاییح الأبرار، میراث مکتوب.
- [۴۸] صافی، محمود بن عبدالرحیم. ۱۴۱۸ق، الجدول فی اعراب القرآن، بیروت: دار الرشید مؤسسة الإيمان.
- [۴۹] صالح، صبحی. ۱۳۷۲ش، مباحث فی علوم القرآن، چاپ پنجم، قم: منشورات الرضی.
- [۵۰] صدوق، محمد بن علی بن بابویه. ۱۳۷۶ش، الأمالی، چاپ ششم، تهران: کتابچی.
- [۵۱] صدوق، محمد بن علی بن بابویه. ۱۴۰۶ق، ثواب الأعمال وعقاب الأعمال، چاپ دوم، قم: دار الشریف الرضی للنشر.
- [۵۲] طالقانی، محمود. ۱۳۶۲ش، پرتوی از قرآن، جلد ۴، چاپ چهارم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- [۵۳] طباطبایی، سید محمدحسین. ۱۳۵۳ش، قرآن در اسلام، چاپ دوم، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- [۵۴] طباطبایی، سید محمدحسین. ۱۴۱۷ق، المیزان فی تفسیر القرآن، جلد ۲۰، چاپ پنجم، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- [۵۵] طبرانی، ابوالقاسم. ۱۴۱۵ق، المعجم الکبیر، تحقیق حمدی بن عبدالمجید السلفی، القاهرة: مکتبة ابن تیمیة.
- [۵۶] طبرسی، علی بن حسن. ۱۳۸۵ش، مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، چاپ دوم، نجف: المکتبة الحیدریة.
- [۵۷] طبرسی، فضل بن حسن. ۱۳۷۲ق، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، جلد ۱۰، چاپ سوم، تهران: ناصر خسرو.
- [۵۸] طبرسی، فضل بن حسن. ۱۳۷۷ق، تفسیر جوامع الجامع، تهران: انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم.

- [۵۹] طبرسی، فضل بن حسن. ۱۴۱۷ق، إعلام الوری بأعلام الهدی، قم: آل البيت.
- [۶۰] طبری، محمد بن جریر. ۱۳۸۷ق، تاریخ الأمم والملوک، چاپ دوم، بیروت: دار التراث.
- [۶۱] طبری، محمد بن جریر. ۱۴۱۲ق، جامع البیان فی تفسیر القرآن، جلد ۳۰، بیروت: دار المعرفه.
- [۶۲] طریحی، فخرالدین بن محمد. ۱۳۷۵ش، مجمع البحرین، چاپ سوم، تهران: مرتضوی.
- [۶۳] طوسی، محمد بن حسن. بی تا، التبیان فی تفسیر القرآن، جلد ۱۰، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- [۶۴] طوسی، محمد بن حسن. ۱۴۰۷ق، تهذیب الأحکام، جلد ۷، تحقیق خرسان، چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- [۶۵] طوسی، محمد بن حسن. ۱۴۱۴ق، الأمالی، قم: دار الثقافة.
- [۶۶] طوسی، محمد بن حسن. ۱۳۹۰ق، الإستبصار فیما اختلف من الأخبار، جلد ۱، مصحح حسن الموسوی، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- [۶۷] طیب، عبد الحسین. ۱۳۷۸ش، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، جلد ۱۴، چاپ دوم، تهران: انتشارات اسلام.
- [۶۸] عاملی، علی بن حسین. ۱۴۱۳ق، الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز، جلد ۳، قم: دار القرآن الکریم.
- [۶۹] عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه. ۱۴۱۵ق، تفسیر نور الثقلین، چاپ چهارم، قم: انتشارات اسماعیلیان.
- [۷۰] عیاشی، محمد بن مسعود. ۱۳۸۰ق، تفسیر العیاشی، تهران: المطبعة العلمیه.
- [۷۱] فخرالدین رازی، ابوعبدالله محمد بن عمر. ۱۴۲۰ق، مفاتیح الغیب، چاپ سوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- [۷۲] فراء، ابوزکریا یحیی بن زیاد. بی تا، معانی القرآن، جلد ۳، مصر: دار المصریه.
- [۷۳] فیض کاشانی، محمد محسن بن مرتضی. ۱۴۰۶ق، الوافی، اصفهان، کتابخانه امام امیر المؤمنین علی علیه السلام.
- [۷۴] فیض کاشانی، محمد محسن بن مرتضی. ۱۴۱۵ق، تفسیر الصافی، چاپ دوم، تهران: انتشارات الصدر.
- [۷۵] قرطبی، محمد بن احمد. ۱۳۶۴ش، الجامع لأحکام القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- [۷۶] قطب الدین راوندی، سعید بن هبة الله. ۱۴۰۹ق، الخرائج والجرائح، قم: مؤسسه امام مهدی (عج).
- [۷۷] قمی، علی بن ابراهیم. ۱۴۰۴ق، تفسیر القمی، سوم، قم: دار الکتب.

- [۷۸] قمی مشهدی، محمد بن رضا. ۱۳۶۸ش، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- [۷۹] کلینی، محمد بن یعقوب. ۱۴۰۷ق، الکافی، چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامية.
- [۸۰] کوفی، فرات بن ابراهیم. ۱۴۱۰ق، تفسیر فرات الکوفی، تهران: مؤسسة الطبع والنشر فی وزارة الإرشاد الإسلامي.
- [۸۱] ماوردی، أبو الحسن بن حبیب. بی تا، تفسیر الماوردی: النکت والعیون، جلد ۶، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- [۸۲] متقی هندی، علاء الدین بن حسام. ۱۴۰۱ق، کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال، جلد ۱، چاپ پنجم، مؤسسة الرسالة.
- [۸۳] مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی. ۱۴۰۳ق، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، چاپ دوم، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- [۸۴] مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی. ۱۴۲۳ق، زاد المعاد: مفتاح الجنان، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- [۸۵] معرفت، محمد هادی. ۱۳۸۲ش، تاریخ قرآن، چاپ پنجم، تهران: سمت.
- [۸۶] معلوف، لويس. ۱۳۸۷ش، المنجد فی اللغة والاعلام، ترجمه محمد بندریگی، بعثت.
- [۸۷] مفید، محمد بن محمد. ۱۴۱۳ق، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
- [۸۸] مفید، محمد بن محمد. ۱۴۱۳ق، رسالة فی المهر، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
- [۸۹] مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۷۴ش، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامية.
- [۹۰] مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۸۶ش، سوگندهای قرآن، قم: مدرسه امام علی بن ابیطالب (ع).
- [۹۱] نکونام، جعفر. ۱۳۸۰ش، درآمدی بر تاریخ گذاری قرآن، تهران: نشر هستی نما.
- [۹۲] واحدی، علی بن احمد. ۱۴۱۱ق، اسباب نزول القرآن، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- [۹۳] واقدی، محمد بن عمر. ۱۴۰۹ق، المغازی، چاپ سوم، اعلمی.
- [۹۴] هیثمی، أبو الحسن بن سلیمان. ۱۴۱۴ق، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، القاهرة: مكتبة القدسی.
- [۹۵] یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب. بی تا، تاریخ الیعقوبی، قم: اهل بیت (ع).